

اصول متناظر بر اصل علنی بودن دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوق بشر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹

مریم بیرانوند^۱

مسعود قاسمی^۲*

یزدان نصرتی^۳

چکیده

اصل علنی بودن دادرسی مفهومی ترکیبی و قابل تجزیه به عناصر مختلف است. به همین دلیل برای فهم و تبیین مفهوم واقعی و دقیق اصل یاد شده بایستی مجموع آن عناصر و الزامات را مورد توجه قرار داد. در واقع دغدغه اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که اصول متناظر و مکمل اصل علنی بودن محاکمات کیفری چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با منابع موجود کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی انجام شده است. یافته‌های پژوهش تأکید گر این فرضیه است که اصولی همانند اصل برائت، قانونی بودن و... با اصل علنی بودن در راستای دادرسی عادلانه تناظر دارند. چنانچه یکی از الزامات مهم دادرسی علنی، علنی کردن احکام است که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آن تأکید شده است. قانون ایران در مورد علنی کردن آرای دادگاهها برخلاف اسناد حقوق بشری، به عنوان استثنا مواردی را ذکر کرده است که با تعهدات حقوق بشری ایران به ویژه ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی متعارض است.

کلید واژه ها: علنی بودن محاکمات، حقوق بشر، دادگاههای بین‌المللی کیفری

^۱ . دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

^۲ . استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). md.ghasemi@iauksh.ac.ir.

^۳ . استادیار گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. nosratiyazdan@ut.ac.ir.

اصل علنی بودن دادرسی از تضمینات مهم امنیت قضایی است؛ زیرا مردم می توانند در جلسات دادرسی حضور پیدا کند؛ در جریان محاکمات قرار گیرند و در یک داوری عمومی منصفانه بودن آن را ارزیابی نمایند. از آنجا که دستگاه قضایی همانند دیگر نهادها و ارگانهای دولتی، امانتدار مردم است؛ با علن نبودن دادرسی، عملکرد آن تحت نظارت مستقیم مردم و افکار عمومی قرار می گیرد و از گرایش به انحراف مصون می ماند و از طریق این نظارت، امنیت قضایی افراد نیز به نحو شایسته تضمین می شود. در اسناد حقوق بشر از جمله علنی بودن دادرسی قبل از هر چیز به عنوان حقی از حقوق متهم و ابزاری برای مهار تعدیات محاکم منسوب به دولت به حقوق شهروندان پیش بینی شده است تا آنجا که کمیته حقوق بشر اظهار داشته است مگر در اوضاع و احوال بسیار مضیق تعریف شده دادگاه باید به صورت علنی رسیدگی و صدور رای کند. در میان اسناد بین المللی به عنوان نمونه در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶۷ و ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بینالمللی، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اصل علنی بودن دادرسی اشاره شده است.

حق برخورداری از محاکمه عادلانه، منصفانه و بی طرف موضوعی است که در بسیاری از قوانین داخلی و اسناد بین المللی مورد تاکید قرار گرفته است. مهمترین سند بین المللی در این زمینه میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. در مجموع در اسناد مختلف بین المللی که به عادلانه بودن دادرسی استناد شده، از بی طرفانه بودن دادرسی به منزله جزء ضروری آن سخن رفته است. مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر از اصل دادرسی عادلانه و بی طرفانه بودن آن را پیش بینی کرده است. بر پایه ماده ۱۱ «هر کس که متهم به جرم است حق دارد بی گناه فرض شود تا اینکه گناه وی به موجب رسیدگی مطابق قانون در دادگاهی علنی که در آن همه تضمین های لازم برای دفاع پیش بینی شده باشد، ثابت شود». از جمله این تضمین ها اصل بی طرفی است. ماده ۱۰ این اعلامیه نیز مقرر می دارد که «هر کسی حق دارد با برابری کامل طی یک دادرسی عادلانه و علنی از سوی دادگاهی مستقل و بی طرف در مورد حق ها و تعهد ها و هر اتهام کیفری مطرح شده علیه او تصمیم گیری شود»

بند نخست ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد:

«همه در برابر دادگاه ها و دیوان های دادگستری برابرنند. هر کسی حق دارد که به دادخواهی او عادلانه و علنی در دادگاهی صلاحیت دار، مستقل و بی طرف و تشکیل شده مطابق قانون رسیدگی شود و آن دادگاه درباره حقانیت اتهام های کیفری علیه او یا اختلاف های مربوط به حق ها و تعهد های او در امور مدنی تصمیم گیری کند...» افزون بر آن در ماده ۲ این میثاق مقرر شده که دولتهای عضو باید همه حق های شناخته شده در این میثاق را درباره همه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیت شان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس و غیره اعمال کرده و آنها را در قانون اساسی خود به رسمیت بشناسند. این میثاق در بند نخست ماده ۵ خود دولتها را

منع می کند که مقررات میثاق را به گونه ای تفسیر کنند که موجب پایمال یا محدود کردن حق ها و آزادیهای شناخته شده در آن باشد. (ورجیا، ۱۳۸۳: ۴۵)

اساس نامه دیوان بین الملل کیفری مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در بند نخست ماده ۶۷ خود مقرر می دارد: «برای تصمیم گیری درباره هر اتهامی متهم حق دارد که با رعایت مقررات این اساس نامه به شکل علنی، عادلانه و بی طرف و با رعایت تضمین های حداقلی زیر با برابری کامل محاکمه شود...» در اسناد منطقه ای نیز به حق دادرسی عادلانه و بی طرفانه بودن دادرسی تصریح شده است. از جمله اعلامیه آمریکایی حق ها و تکلیف های انسان^۴، که از سوی سازمان کشورهای آمریکای در سال ۱۹۴۸ چند ماه پیش از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شد، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۵، منشور آفریقایی حقوق بشر و ملل^۶ به این مهم اشاره داشته اند.

۲- اما از جانب دیگر باید افزود که بی طرفی دادگاه دارای دو وجه اساسی است؛ یکی استقلال و عدم وابستگی به دیگر قوای حاکم یا فشار های بین المللی یا مراودات سیاسی و دیگری عدم وابستگی به اطراف دعوی. دادگاه مستقل و بی طرف از چنان ثبات و صلابتی و اقتداری در سطح بین المللی بر طبق قواعد و مقررات حقوق بین الملل برخوردار است که به دور از هر نوع محدودیت، توصیه، مداخله و فشار مستقیم یا غیر مستقیم، تصمیمات خود را صرفاً بر واقعیات موجود در پرونده و مقررات قانونی حاکم بر آن واقعیات استوار می سازد. کمیسیون اروپایی حقوق بشر بر این نکته تاکید تمام کرده که ضرورت استقلال دادگاه مستلزم نصب مادام العمر قضات و عدم امکان انتقال محل خدمت آنان نیست (پروی، ۱۳۸۴: ۲۳).

۳- آن چه ضروری می نماید آن است که دادگاه در انجام وظایف قضایی خود از هر گونه مداخله و اعمال نفوذ به دور باشد. به عنوان یکی از اصول مسلم دادرسی، چنانچه قاضی رسیدگی کننده قبلاً به هر عنوان در پرونده مورد رسیدگی اظهار نظر کرده باشد، دیگر نمی توان او را یک قاضی مستقل، بی طرف و دارای صلاحیت رسیدگی به شمار آورد. دیوان اروپایی حقوق بشر در یکی از آرای خود اظهار داشته که چنانچه رئیس دادگاه سابقاً به عنوان معاون دادستان در تحقیقات مقدماتی مداخله کرده باشد دیگر نمی توان گفت در چنین دادگاهی تضمین های مربوط به حفظ حقوق متهم از جمله اصل بی طرفی دادگاه رعایت شده است. (شاملو، محمدی، ۱۳۹۰: ۴۵).

یک نکته دیگر این است که در نظام های ارزشی یا انقلابی که ساختار سیاسی آنها غالباً از نوع تک حزبی است، اعمال کنندگان قدرت عمومی از جمله دادرسان محاکم از میان طیف یا طبقه خاصی از طبقات اجتماعی که دارای وابستگی فکری به طبقه حاکم باشند، گزینش می شوند. در چنین نظام هایی مساله بی طرفی دادگاه بویژه در موارد رسیدگی به جرایم سیاسی و امنیتی بشدت مورد تردید است. انتظار ترجیح عدالت و انصاف بر منافع سیاسی از دادگاهی که خود را بخشی از پیکره

^۴The American declaration of rights and duties of man

^۵ The American convention on human rights

^۶ The African charter on human and peoples rights

حزب حاکم ومدافع مصالح آن می شمارد ، بسیار خوشبینانه و به دور از واقع است . از نظر کمیسیون امریکایی حقوق بشر غالب دادگاههای ویژه ای که به دنبال بروز انقلاب های سیاسی و بحران های اجتماعی تشکیل می شوند واجد وصف استقلال و بی طرفی موردنظر در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (بند ۱ ماده ۱۴ میثاق) نیستند. در این گونه دادگاهها معمولاً افراد فاقد سابق و صلاحیت های قضایی درباره سرنوشت متهمان تصمیم می گیرند ؛ افرادی که هنوز تحت تاثیر روان شناسی انقلاب و سرمست از پیروزی به دست آمده هستند و بیشتر به تعصب و خشونت گرایش دارند تا عدالت و انصاف .

ورود به بحث : اصول متناظر با اصل علنی بودن دادرسی

۱- اصل برائت یا فرض بیگناهی متهم :

فرض برائت یعنی اینکه هر شخصی که متهم به جرمی است تا زمانیکه با دلایل قوی اتهام او به اثبات نرسیده است ، باید همچنان بی گناه دانسته شود. این حق باید در تمام مراحل فرایند دادرسی و تا وقتی که محکومیت نهایی و الزامی متهم مشخص نشده ، مورد ملاحظه قرار گیرد. فرض برائت مستلزم اینست که تمام تردیدهای موجود در خصوص اتهامات افراد باید در جهت بی گناهی افراد تفسیر شود. فرض برائت دادستان و شاکی را مکلف می کند که با دلایل محکم و معقول گناه متهم را به اثبات برسانند ، در غیر اینصورت او بی گناه است. حتی اگر شخصی واقعا نیز گناهکار باشد اما دلایل معقول و محکمی برای اثبات گناه او در دست نباشد از لحاظ حقوقی باز هم این شخص بی گناه است و به زبان عامه «دزد ننگرفته پادشاه است». پس بر مبنای اصل برائت متهم ملزم به اثبات بی گناهی خود نیست و او این خصیصه (بی گناه بودن) را به خود به همراه دارد تا زمانیکه گناه او را ثابت کنند.

تبلور صریح اعلام اصل برائت را می توان در اسناد جهانی و منطقه ای به صراحت مشاهده کرد. در میان اسناد جهانی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت اصل برائت را مورد تاکید قرار داده اند.

بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است:

« هر کس به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

اعلامیه جهانی حقوق بشر به صورت واضح اصل برائت در بند ۱ ماده ۱۱ خود مقرر داشته است. تاکید اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اصل برائت پس از جنگ جهانی دوم با توجه به تجربیات تلخ بشر که ناشی از بازداشتهای دسته جمعی و اردوگاه های کار و مرگ در

دوران فاشیسم در اروپا و تبدیل شدن مقوله مظنون به دشمن عینی و سلب آزادی از شهروندان به استناد نسخه نازی «جنایت محتمل» به جای مقوله «مظنون به خلاف» بوده است. (آرنت، ۱۳۶۳: ۲۴۷).

جنگ جهانی دوم و اشغال اروپا توسط آلمان نازی و در بند کردن میهن پرستان و از جمله حقوقدانان و قضات سبب شد که پس از خاتمه جنگ نسبت به اصل براءت که در اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه بهای لازم به آن داده شده بود، توجه بیشتری مبذول گردد. به ویژه قضات که به علت مقاومت و یا عدم همکاری با اشغالگران به بندنیروهای متجاوز گرفتار و از نزدیک با زندان و محرومیت از حق دفاع آشنا شده بودند به این حقیقت ملموس که علاوه بر بزهکاران واقعی شهروندان بی گناه نیز ممکن است در مظان اتهامات ناروا قرار گرفته و به سرنوشت تبهکاران دچار شوند پی بردند.

میثاق حقوق مدنی و سیاسی در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۶۷ به مرحله اجراء درآمد و نهایتاً در تاریخ ۲۳ مارس ۱۹۸۵ یک پروتکل اختیاری بدان اضافه گردید. در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به اصل براءت پرداخته شده است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸، ۲۷۶)

همچنین در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است:

«هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود. (امیر ارجمند، ۱۳۸۶، ۹۳)

بنابراین میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز برخی از آثار اصل براءت را که در مرحله صدور حکم و پس از آن بایستی مورد رعایت قرار گیرند، شناسایی و بیان نموده است. بر اساس بند ۵ ماده ۱۴ میثاق « هر کس به ارتکاب جرمی محکوم بشود، حق دارد که اعلام مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتری طبق قانون مورد رسیدگی واقع شود». این بند در واقع حق پژوهش خواهی و اعتراض متهم به حکم صادره توسط دادگاه بدوی را مورد توجه قرار داده است. (جوآنمرد، ۱۳۹۳، ۲۸) همچنین بند ۶ ماده مزبور اعلام می نماید، هر گاه حکم قطعی محکومیت کیفری کسی بعداً فسخ شود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف کرده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالتیجه مورد عفو قرار گیرد. شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارات او طبق قانون جبران بشود مگر اینکه ثابت شود که عدم افشاء به موقع حقیقت مکتوم کلاً یا جزاً منتسب به خود او بوده است. بند ۷ ماده ۱۴ میثاق نیز منع تعقیب و محاکمه مجدد متهم را مورد توجه قرار داده و اعلام می نماید که هیچ کس را نمی توان برای جرمی که به علت اتهام آن به موجب حکم قطعی صادر طبق آئین دادرسی کیفری هر کشوری محکوم یا تبرئه شده است مجدداً مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

همچنین بر اساس ماده ۱۵ میثاق، هیچ کس به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی جرم نبوده محکوم نمی‌شود و همچنین هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اعمال بوده تعیین نخواهد شد.

در میان اسناد منطقه ای نیز اعلامیه حقوق بشر اسلامی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به صراحت اصل برائت را مورد تاکید قرار داده‌اند. اعلامیه قاهره یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۹۰ در نوزدهمین کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۷ در قاهره به تصویب رسید. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۲۶۹).

و در واقع جدیدترین و شاید بتوان گفت رسمی‌ترین اعلامیه حقوق بشر اسلامی است. اعلامیه مشتمل بر ۲۵ ماده و یک مقدمه است که در بند ۱۹ ماده ۱۹ به اصل برائت نیز پرداخته است. (مهرپور، ۱۳۷۷: ۳۴۴)

در بند ۱۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی آمده است:

«متهم بی گناه است تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمین‌ها برای دفاع او فراهم شده باشد ثابت گردد.»

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۶۶ ماده در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ تصویب شد و با توجه به بند ۲ ماده ۶۶ که پس از تودیع بیستین سند تصویب نزد دبیر کل شورای اروپا لازم الاجراء می‌شود، در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به مرحله اجراء درآمد (ماجور، ۱۹۹۵: ۲۵).

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که کنوانسیون صیانت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی نیز خوانده می‌شود، با اختصاص بند ۲ ماده ۶ به اعلام اصل برائت و با عبارت (هر فردی که مورد اتهامی قرار گیرد بیگناه فرض می‌شود مگر اینکه مجرمیت او به طریق قانونی ثابت گردد) توجه کشورهای اروپایی عضو شورای اروپا و تصویب کننده کنوانسیون و پروتکل‌های الحاقی آن را به ضرورت ایجاد شرایط خاص جهت اعمال اصل مذکور، در سطح منطقه ای، به خود معطوف داشته است

بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشعار می‌دارد:

«هر کس به اتهام جرمی متهم شده باشد حق دارد بی گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او بر طبق قانون محرز بشود.» (امیر ارجمند، ۱۳۸۶: ۱۸۲).

۲- اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها:

منشور ملل متحد، اشاره صریحی به اصل قانونی بودن جرم و مجازات ندارد اما می‌توان از ترکیب بند ۲ ماده ۱۱ با بند ج ماده ۵۵ که مقرر می‌دارد: «احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب و...» به این نتیجه رسید که در

^۷ Organization of the Islamic conference

منشور ملل متحد نیز به طور ضمنی صحبت از پذیرش اصل قانونی بودن جرم و مجازات به عنوان یکی از اصول حقوق بشر در دادرسی های عادلانه شده است. (میلانی، ۱۳۸۶: ۱۸۸).

اما بند دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً دلالت بر پذیرش اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها دارد. بر اساس بند ۲، ماده ۱۱ هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی شده است، محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد. «نه تنها اعلامیه به اصل متن اشاره دارد بلکه آثار آن را نیز می پذیرد و صحبت از قلمرو قوانین در زمان می نماید که البته دور از ذهن نیز نمی باشد زیرا زمانی که این اصل پذیرفته شود بسیار طبیعی است که آثار آنرا نیز مورد پذیرش قرار دهد و عدم پذیرش اثر قطعاً منافی پذیرش اصل خواهد بود. در موارد دیگر از جمله مواد ۵، ۱۰، ۱۷، بند ۲ ماده ۱۷ و ماده ۳۰ به صورت ضمنی آثار اصل مورد پذیرش قرار گرفته است (استپنیاک، ۲۰۱۴: ۹۸).

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی یک قاعده عام در مورد پذیرش عام دارد و در موارد دیگر به صورت ضمنی به پذیرش اصل اشاره کرده است. در بند ۲ ماده ۲ قانون این میثاق آمده است:

«هر کشور طرف این میثاق متعهد می شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این منشور اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم الاجراء نشده است به عمل آورد.»

همان طور که مشاهده می شود این بند ناظر به الزام قانونگذاری در خصوص حفظ و صیانت از حقوق بشر است و از آنجایی که در اعلامیه برخورداری از اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها از جمله حقوق بشر به شمار می رود مفهوم منطقی این بند نیز حمایت و پذیرش اصل است. بندهای ۷، ۹، ۱۴ و... نیز اشاره هایی مبنی بر پذیرش اصل دارند.

در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی صحبت از مشروعیت قوانین شده است که به نوعی به بحث ارتباط دارد. در این بند از ماده ۵ آمده است: «هیچ یک از مقررات این میثاق را نمی توان به نحوی تفسیر نمود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری یا گروهی یا فرد خاصی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش بینی شده است مباردت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد» مفهوم این بند نیز به طور ضمنی و با توجه به اعلامیه حقوق بشر و با توجه به اینکه این میثاق جهت تکمیل آثار آن اعلامیه است این می باشد که تخطی از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها عملی بر خلاف حقوق بشر و نقض دادرسی عادلانه محسوب می شود.

در میان اسناد منطقه ای اعلامیه حقوق بشر اسلامی در مواد ۱۹ و ۲۰، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای بنیادین و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، اعلامیه آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز به این مهم پرداخته اند.

۳- تفهیم اتهام :

منظور از تفهیم آن است که هر متهمی از ماهیت اتهام جزایی خود قبل از شروع تحقیقات مطلع گردد تا بدین وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید. تفهیم اتهام به دلیل اهمیت وافری که دارد مورد توجه اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی و حتی عادی اکثر کشورها قرار گرفته است.

بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مقرر کرده: «هر کس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن مطلع شود و در اسرع وقت اختاریه ای دایره ای هر گونه اتهامی که به او نسبت داده میشود دریافت دارد.»

همچنین بر اساس بند ۳ ماده مذکور: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) میشود باید او را به اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقولی دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد، لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین هائی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی و حسب مورد برای اجرای حکم تامین نماید.»

۴- ممنوعیت حبس و بازداشت خودسرانه :

اصل منع توقیف اشخاص در اعلامیه های جهانی و منطقه ای حقوق بشر مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ اعلام می دارد: «احدی نمی تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود.» همچنین این اعلامیه در ماده ۳ خود اعلام می دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» می دانیم که یکی از لوازم داشتن آزادی و امنیت شخصی، منع بازرسی های بدنی، توقیف و عدم کنترل هویت اشخاص است و منع بازرسی و تجسس در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حق به رسمیت شناخته شده است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قرار گیرد.» همچنین ماده ۱۳ اعلامیه اعلام می دارد که: «۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.»

نگاهی به موارد بالا نشان می دهد که اصول منع تجسس، منع توقیف و منع کنترل هویت اشخاص در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است و در مرحله کشف جرم بایستی این اصول مورد احترام قرار گیرند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز این مهم را که در مرحله کشف جرم بایستی مورد توجه قرار گیرند، شناسایی نموده است. بر اساس ماده ۹ میثاق «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت نمود. از هیچ کس نمی توان سلب آزادی کرد مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر به حکم قانون» و ماده ۱۷ میثاق نیز منع بازرسی و تجسس را مورد شناسایی قرار داده است: «هیچ کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.»

اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره مصوب ۱۴۱۱ ه.ق نیز برخی مواردی را که هنگام کشف جرم بایستی مد نظر قرار داد، مورد شناسایی قرار داده است. اعلامیه در ماده هجدهم خود اعلام می دارد: «الف) هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند. ب) هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و بایستی از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود. ج) مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود.»

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی مصوب ۱۹۵۰ میلادی نیز مواردی را که به اقتضای اصل برائت بایستی در مرحله کشف جرم و موقع بازرسی، توقیف و دستگیری و کنترل هویت اشخاص مورد رعایت قرار گیرد، مورد بیان قرار داده است. کنوانسیون در ماده «۵» خود اعلام می دارد: «۱- هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد و هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در موارد مقرر طبق قانون.» ۳- بر اساس این ماده کنترل هویت اشخاص و نیز توقیف افراد مغایر با اصل برائت بوده و آزادی اشخاص را محدود یا نقض می نماید. کنوانسیون مزبور همچنین اصل منع تجسس و بازرسی افراد را در ماده هشتم خود مورد شناسایی قرارداده است: «هر کس حق دارد حرمت زندگی خصوصی و مکاتبات وی حفظ شود.» کنوانسیون در بند ۲ ماده مزبور بازرسی و تجسس را فقط طبق قانون و زمانیکه برای منافع امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادیهای دیگران لازم باشد، جایز می شمارد. (محمودی، ۱۳۸۹: ۹۸)

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ نیز دربرگیرنده اصولی است که در مرحله کشف جرم بایستی مورد رعایت قرار گیرند. بر اساس بند ۱ ماده پنجم کنوانسیون «هر شخص حق دارد که تمامیت جسمی، روانی و اخلاقی اش محترم باشد.» همچنین ماده هفتم کنوانسیون حق آزادی شخصی را مورد تأیید و شناسایی قرارداده است: «۱- هر شخص حق آزادی و امنیت خصوصی دارد. ۲- از هیچ کس نمی توان سلب آزادی بدن نمود مگر به دلایل و بر اساس شرایط از پیش تعیین شده به موجب قانون اساسی کشور مربوط یا بر اساس که طبق قانون اساسی وضع شده باشد.»

۳- بر اساس این ماده کنترل هویت و توقیف اشخاص مغایر با حق آزادی شخصی است و در مواقع لزوم بایستی تشریفات رعایت گردد. کنوانسیون همچنین منع تجسس و بازرسی را در بند دوم ماده یازدهم خود مورد میان قرار داده است: « ۲- در زندگی خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات هیچ کس نباید دخالت خود سرانه شود یا به شرافت یا حیثیتش غیر قانونی معترض شود.»

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها مصوب ۱۹۸۱ م نیز برخی اصولی را که در موقع کشف جرم بایستی مورد رعایت قرار گیرد، و از آثار اصل برائت می باشند مورد بیان قرار داده است بر اساس ماده چهارم منشور « انسانها قابل تعرض نیستند. هر فردی استحقاق احترام به تمامیت جسمی و زندگی خویش را دارد. هیچ کس را نمی توان خودسرانه از این حقوق محروم کرد.» منشور در ماده ششم خود نیز اعلام می نماید: « هر فرد حق برخورداری از آزادی و امنیت خویش را خواهد داشت. هیچ کس را نمی توان از آزادی خویش جز به دلایل و شرایطی که قبلاً به وسیله قانون معین شده محروم کرده به خصوص هیچ کس را نمی توان خودسرانه توقیف یا حبس کرد. » در واقع بر اساس مواد فوق منشور، کنترل هویت، بازرسی و توقیف اشخاص مغایر با حق آزادی و امنیت شخصی است و بایستی در مواقع لزوم بازرسی و کنترل هویت اشخاص یا توقیف افراد تشریفات جهت تطابق با اصول فوق از جمله اصل برائت رعایت گردد. (مهرپور، ۱۳۹۹: ۱۳۸)

۵- اصل استثنایی بودن موارد صدور قرار بازداشت موقت:

بازداشت موقت قرار تامینی است که به موجب آن متهم در تمام یا در قسمتی از دوران تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی باید در بازداشتگاه بماند. همان طور که می دانیم بازداشت متهم شدیدترین نوع تامین های کیفری است. از آنجا که این قرار با اصل برائت متهمان و آزادی رفت و آمد شهروندان مغایر است و نتایج زیانبار فراوانی دارد قانونگذار بین المللی نیز سعی کرده است موارد اعمال آن را محدود کند. در بیشتر اعلامیه های جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی ناظر به آن از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی توصیه شده است که بازداشت موقت نباید به صورت یک قاعده کلی درآید. موارد آن باید در قانون احصاء شود و به حداقل ممکن کاهش یابد. این قرار باید به اشد کیفرها مختص شود.

همچنین در بند ۱ ماده ۲ سند موسوم به «قواعد و استانداردهای حداقل سازمان ملل در مورد مجازات های غیر حبس» مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی نیز آمده است:

«محدودیتها و ممنوعیت های مذکور در قواعد این سند در مورد همه افراد اعم از افراد تحت تعقیب، تحت محاکمه و یا محکومان و در کلیه مراحل اجرای عدالت کیفری باید مورد توجه قرار گیرد.»

اصل ۳۷ سند فوق الذکر نیز اشاره دارد: هر شخصی که به واسطه یک اتهام جزایی بازداشت می شود، بایستی سریعاً پس از جلب نزد مقامات قضایی یا سایر مقامات صالح که بر اساس قانون مشخص شده اعزام شود. این مقامات باید بدون تاخیر در مورد قانونی بودن و ضرورت بازداشت موقت اظهار نظر نمایند.

در بند ۱ ماده ۶ سند قواعد و استانداردهای حداقل سازمان ملل متحد در مورد مجازات‌های غیرحبس مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی آمده است: «بازداشت‌های موقت باید به عنوان آخرین وسیله در دادرسی‌های جزایی به منظور استماع اظهارات متهم و یا حمایت از جامعه و قربانی جرم صورت گیرد.»

۶- حق آگاهی و اطلاع متهم از علت بازداشت، ادله و دلایل اتهامی:

هر شخصی که بازداشت می‌شود باید بلافاصله از علت بازداشت خود مطلع گردد. بند ۲ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «هر شخصی که بازداشت می‌گردد باید بلافاصله در زمان دستگیری از علل اتهامات و بازداشت علیه خود مطلع گردد.» همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۱۴ میثاق نیز هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقط حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت: الف - در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع می‌شود. بر اساس بند ۳ ماده ششم کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی، هر کس که به جرم کیفری متهم می‌شود، حداقل حقوق زیر را داراست:

الف - اطلاع فوری و دقیق از ماهیت و علت اتهام علیه خود^۸ و به زبانی که درک می‌کند. برای انجام محاکمه ای عادلانه هر کس باید بتواند از خود دفاع کند این امر مستلزم اینست که آن متهم بداند که در مقابل چه چیزی باید از خود به دفاع برخیزد، بنا براین باید نسبت به ماهیت اتهام و حقایقی که سبب توجه آن اتهام به وی شده است اطلاع یابد. اطلاع از ماهیت اتهام ناظر بر اطلاع رسانی دقیق نسب به توصیف قانونی جرم مورد ادعا است. بنا به یک قاعده بنیادین در حقوق جزا که از آن به عنوان اصل قانونی بودن جرم و مجازات یاد می‌شود، هیچ کس را نمی‌توان به خاطر ارتکاب عملی مجازات کرد مگر اینکه از قبل ممنوعیت آن عمل و مجازات در نظر گرفته شده برای آن، از طریق قانون اعلام شده باشد. (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۱۸)

بنابراین باید به متهم اطلاع داد که عملی که شما انجام داده اید با تعریف مثلاً سرقت مطابقت دارد یا شما متهم به سرقت هستید علاوه بر این باید حقایق و دلایلی که این ادعا را مورد تأیید قرار می‌دهد را نیز به اطلاع وی رساند. اصل اینست که اطلاعاتی که باید به متهم در این رابطه یاد آور شد به حدی باشد که برای تدارک دفاع از جانب متهم یا وکیل یا وکلای وی کفایت کند. به همین خاطر باید این اطلاعات به نحوی که هدف گفته شده را تأمین کند به متهم داده شود، برای مثال به زبانی که کاملاً برای متهم قابل فهم است به او گفته شود. (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۲: ۲۵۹)

هدف اصلی از ضرورت اطلاع از علل بازداشت شخص متهم این است که به او فرصت داده شود که مشروعیت و قانونی بودن بازداشت خود را زیر سوال ببرد. بنابراین اطلاعاتی که به او

^۸ The right to prompt notice of the nature and cause of criminal charge

داده می شود باید کامل، تفصیلی و دقیق باشد و اساس حقیقی و حقوقی بازداشت وی را در بر داشته باشد. به عنوان مثال کمیته حقوق بشر مقرر می دارد که صرف مطلع کردن متهم از اینکه بازداشت او برای حفظ امنیت ضروری بوده است اینکه مفاد شکایت به او تفهیم گردد صحیح و کافی نیست. دادگاه اروپا در قضیه ای توضیح داده است که منظور از بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا این است که به زبانی ساده و قابل فهم برای متهم از علل بازداشت وی گفته شود به گونه ای که وی بتواند قانونی بودن بازداشت خود را زیر سوال ببرد. بند ۲ ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به مطلع کردن متهم از علل بازداشت و بلافاصله در هنگام بازداشت اشاره می کنند. اما در این خصوص اگر اطمینان حاصل شود که متهم اطلاعات کافی در مورد دلایل بازداشت خود دارد باید کمی آزادی عمل داد و یا حداقل در موضوعاتی که متهم از آنها اطلاع دارد، مطلع کردن وی را اختیاری و غیر ضروری تلقی کرد. (فضایلی، ۱۳۸۷: ۱۸۸)

بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا مطلع گرداندن فوری متهم از علل بازداشتش را در زمان بازداشت ضروری اعلام کرده است. در اینجا مقصود از فوری فوریت عرفی است. دادگاه اروپا در این خصوص معتقد است که یک وقفه چند ساعته میان زمان بازداشت و دادن اطلاعات در مورد علل بازداشت و دادن اطلاعات در مورد علل بازداشت خارج از مفهوم واژه فوری در بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون اروپا نیست بلکه این فاصله زمانی را باید فوری دانست. به طور کلی دو هدف عمده از مطلع کردن متهم در اسناد بین المللی مد نظر قرار گرفته است. اولین هدف آن است که به متهم امکان پاسخ گویی داده شود و دومین هدف آن است که امکان طرح ایرادات و دفاعیات را برای متهم فراهم کند. این اطلاعات در صورتی موثر واقع خواهد شد که به زبان متهم تفهیم شود در غیر این صورت متهم حق دارد به زبانی که برای او قابل فهم است اطلاعاتی را در مورد حقوق خود، علل بازداشت و اتهاماتی که به او زده می شود را به دست آورد. (ذاکریان، ۱۳۹۸: ۱۲۰)

۷-انجام دادرسی در زمان معقول و پرهیز از اطاله ی دادرسی :

یکی از مهمترین ویژه گیهای دادرسی عادلانه این است که رسیدگی به اتهام کیفری در یک مدت معقول صورت گیرد. به درازا کشیدن پیگرد با هدف احقاق حق و حل و فصل خصومت در تعارض آشکار قرار دارد. هنگامی که به دلایلی مانند بی نظمی سازمان دادگستری یا آشفتگی قوانین پیگردها و دادرسی ها به گونه غیر معقول به درازا می کشد مراجعان به دادگستری امید به احقاق حق و دفع ستم و تجاوز را از دست می دهند که این چنین امری جز نفی عدالت و دادگستری در یک کشور نیست. امروزه رسیدگی به یک دعوی در مهلت معقول و یا انجام گرفتن پیگرد و محاکمه بدون تاخیر ناموجه از حقوق مردم در هر کشوری محسوب می شود. تاخیر در پیگرد کیفری ممکن است آمادگی های متهم را در ارائه دلایل براءت خود آشفته سازد، بر زندگی و آزادی او چه بازداشت باشد و چه به قید وثیقه آزاد گردیده باشد تاثیر گذارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۲۳۵) در دوره پیگرد و محاکمه وضع استخدامی متهم آشفته

می شود، منابع مالی او ته می کشد، حق شرکت او در انجمن ها و حسن شهرت او به مدت طولانی آسیب می بیند و موجب تحمیل نگرانی به خانواده و نزدیکانش می شود. این تاخیرها از سوی دیگر موجب انباشته شدن پرونده ها می گردد و مشکلات بیشتری را برای دولتها به وجود می آورد. تورم کیفری^۹ یکی از پدیده هایی است که در دادگستری بسیاری از کشورها با آن درگیر شده اند. علت این امر می تواند تورم در مجموعه قوانین باشد. تورم جرم انگاری و اطلاق عنوان مجرمانه بر اعمالی که از دید جامعه به هیچ روی بزه کارانه تلقی نمی شوند سبب تضعیف اعتبار جرم انگاری اعمال واقعا مجرمانه در دید اجتماع است و بی اعتبار شدن و ناکارآمدی حقوق جزا را نزد مردم به دنبال خواهد داشت. بنا بر یک ادعا وجود بیش از ۲۰۰۰ عنوان مجرمانه در مجموعه قوانین جزایی ایران گشاینده دروازه بزه کاری بر روی کسانی است که بی جهت اقدام به اعمالی که در واقع امر، غیر مجرمانه هستند دست زده اند و بر حسب مجرمانه دریافت نموده و منحرف تلقی می شوند، این در حالی است که برخلاف آنچه گفته شده، مجازات باید به عنوان آخرین حربه مورد استفاده قرار گیرد و برای شکستن فندق نباید از پتک استفاده کرد، استفاده از مجازات در سیستم حقوقی ایران در بسیاری موارد اولین و موثرترین راهکار برای مبارزه با وقایع و پدیده های ضد اجتماعی جدید به کار گرفته شده است. این امر به نوبه خود فرآیند دادرسی را از یک زمان منطقی و معقول دور می کند. بنابراین می توان با کشف علل طولانی شدن فرآیند دادرسی به حذف آن عوامل جهت تحقق اهداف پیش بینی شده پرداخت. (۱ دادبان، آقایی، ۱۳۸۸: ۱۳۸)

امروزه بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان تا جایی که ممکن است و بی آنکه سرعت رسیدگی موجب آسیب رسیدن به حق دفاع طرفین دعوی گردد در کاستن از زمان دادرسی کوشیده اند. در همین راستا اسناد بین المللی به ویژه در زمینه پیگردهای کیفری که در آنها آزادی و حیثیت اشخاص در میان است بر برگزاری محاکمه بدون تاخیر ناموجه تاکید کرده اند. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حداقل تضمین های قانونی برای هر فرد بشر را در پیگرد کیفری پیش بینی کرده و در بند ج می گوید: «این که بدون تاخیر غیر موجه مورد محاکمه قرار گیرد.»

همچنین بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می دارد: «هر شخصی که به موجب یک اتهام کیفری دستگیر یا بازداشت شده باشد باید بلافاصله نزد یک قاضی یا یک مقام صالح دیگر که قانون تجویز کرده حاضر گردد تا اقتدار قضایی در مورد او اعمال گردد. اشرافی، طه، ۱۳۹۶: ۱۵۸) قاعده کلی نباید به گونه ای باشد که شخص بتواند با دادن تضمیناتی برای اطمینان از حضور یافتن برای محاکمه آزاد گردد.» کمیسیون اروپا مقرر داشته است مدت زمانی که قبل از محاکمه در نظر گرفته می شود ممکن است از نظر بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپا معقول به نظر برسد اما همان زمان برای شخصی که در بازداشت قرار دارد ممکن است از

^۹ Criminal inflation or overcriminalization

نظر ماده ۵ کنوانسیون معقول تلقی نگردد. لذا هدف آن است که از طول مدت زمان بازداشت تا زمان محاکمه کاسته شود نه اینکه سرعت محاکمه زیاد شود.

ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز این قاعده را گسترش داده مقرر می دارد که رسیدگی نسبت به حقوق و تعهدات مدنی هر شخص و نیز هر گونه پیگرد کیفری علیه او باید در یک دادگاه و در یک زمان معقول صورت گیرد. بر همین اساس کشورهای عضو کوشش کرده اند شرایط تحقق این امر را در دادگستری خود فراهم سازند. (کاشانی، ۱۳۸۳: ۲۱۰ و ۲۱۱).

نتیجه گیری

یکی از الزامات مهم دادرسی علنی، علنی کردن احکام است که در میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به آن تأکید شده قانون ایران در مورد علنی کردن آرای دادگاهها برخلاف اسناد حقوق بشری به عنوان استثنا مواردی را ذکر کرده است که با تعهدات حقوق بشری ایران به ویژه ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی متعارض است. به رغم جایگاه انکارناپذیر اصل علنی بودن دادرسی در حقوق ایران، این اصل به شکل قابل قبولی تحقق نیافته و این امر ضرورت شناسایی موانع اصل مذکور را اجتناب ناپذیر ساخته است. این موانع در جلوه های متعددی همچون موانع نظری و موانع قانونی قابل بحث هستند. در خصوص موانع نظری، بیشتر مخالفتها با اصل علنی بودن دادرسی با ادعای مغایرت این اصل با اصل کرامت انسانی، لزوم حفظ آبروی اشخاص و حق بر حریم خصوصی مطرح شده است. با این حال، ایرادات مذکور قابل پذیرش به نظر نمی رسد، زیرا حقوق بشر در جهت رعایت شأن انسان و احترام به کرامت او مطرح شده و اصل مورد بحث نیز مبتنی بر اصل کرامت و در جهت حمایت از فرد در مقابل قدرت حکومت شناسایی شده است. ادعای مغایرت دادرسی علنی با لزوم حفظ حرمت اشخاص نیز، به دلیل نادیده گرفتن مبنای دوگانه اصل علنی بودن دادرسی و به خصوص منافع و مصالح اجتماعی، قابل پذیرش به نظر نمی رسد. در خصوص ادعای مغایرت دادرسی علنی با برخی از اصول دادرسی از جمله اصل برائت، اصل استقلال قاضی و اصل بی طرفی قاضی نیز باید توجه داشت که اصل برائت تا مرحله قطعیت حکم جاری است و به نظر می رسد اطلاع مردم از محکومیت فرد به عنوان یکی از تبعات محکومیت اشخاص نمی تواند امری مغایر اصل برائت تلقی شود. لذا لازم است که با اصلاح قوانین حداقلی موجود، در جهت تدوین قانون شایسته ای که دربردارنده همه عناصر و الزامات دادرسی علنی باشد، همت گمارده شود.

منابع

- آرنت، هانا. (۱۳۶۳). توتالیتاریسم. ترجمه محسن ثلاثی، نشر جاویدان، چاپ اول.
- امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۶). مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر. قسمت اول، اسناد جهانی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
- اشرافی، لیلیا؛ طه، فریده، (۱۳۹۶) دادرسی عادلانه. ج. اول، بنیاد حقوقی میزان، تهران.
- دادبان، حسن و آقای، سارا. (۱۳۸۸). بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۱). دایره المعارف حقوق؛ دانشنامه حقوقی. نشر گنج دانش، چاپ ۶.
- جوانمرد، بهروز، (۱۳۹۲). دیوان کیفری بین المللی؛ پایان یلدای مصونیت جنایتکاران، نشریه قضاوت - شماره ۶۶

ذاکریان، مهدی. (۱۳۹۸). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی. نشر میزان.

- شاملو، باقر؛ محمدی، شهرام (۱۳۹۰). نقض بی طرفی و عدم استقلال قاضی، جلوه ای از اقدام مخل دادرسی عادلانه، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۶.
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا. (۱۳۸۸). حقوق بین الملل عمومی، نشر گنج دانش، چاپ سی و یکم.
- فضایلی، مصطفی، (۱۳۸۷) دادرسی عادلانه، انتشارات شهر دانش.
- قاری سید فاطمی، محمد، (۱۳۹۲) حقوق بشر در جهان معاصر، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- قربانی، علی (۱۳۹۰). دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، قم: حقوق امروز.
- کاشانی، سید محمود. (۱۳۸۳). استانداردهای جهانی دادگستری، نشر میزان، چاپ اول.
- مهرپور، حسین، (۱۳۷۷). نظام بین المللی حقوق بشر، نشر اطلاعات، چاپ اول.
- میلانی، علیرضا، (۱۳۸۶). نگرشی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، نشر میزان، چاپ اول، پاییز.
- مهرپور، حسین، (۱۳۹۹). حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران.
- محمودی، عبدالحسین؛ جهانی، سیما. (۱۳۸۹). مجموعه اسناد و قوانین بین المللی حقوق بشر. نشر موج اندیشه.
- مقالات:
- ورجیا، انلا؛ (۱۳۸۳). روابط دیوان بین المللی کیفری و سازمان ملل متحد، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۰، پائیز و زمستان.
- یروی، ربابه. (۱۳۸۴). آزادی در اعلامیه جهانی حقوق بشر. نشریه حدیث زندگی، شماره ۲۳.
- major international instruments, status as at may ۱۹۹۵. p۲۵
Stepniak, Daniel (۲۰۱۴). The Therapeutic value of open Justice,
Law school The University of western Australia